



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۲/۲۶

وطني دوست

به بهانه نوشته آقای محترم پرتو نادری "زبان همه چیز را هستی می بخشد"

در سابق بین زبان و زبان تفاوت لغوی قابل بودیم. اولی به پارچه گوشت میگفتیم، که در دهن انسان و حیوان جا دارد و به آنچه که از آن جهت تفاهم بیرون می آمد، لسان میگفتیم. حالا به هردو زبان میگوئیم. اهدای عرب به نقایش!

اگر به زبان آقای پرتو نادری بگویم "امروزه دانشمندان بحث زبان را تا آن جایی رسانده که باور دارند که بیرون از زبان... " انسانها با حرکات آگاهانه و ناخودآگاه بدن و صورت خود میتوانند سخن بگویند. به طور مثال، آنها که گنگ و کر اند، با حرکات دست و صورت خود، که خودش یک روش یا شیوه تفاهم است، تا سطح دیپلوم و دکترا میتوانند دانش بیاموزند.

روانشناسی عدلی (forensic psychology) که شاخه از علم روانشناسی ست، سالهاست، که به حیث یک متود یا روش شناخته شده، توسط پولیس و محاکم جهت تحقیقات مجرم از آن استفاده میشود. حرکات ناخودآگاه صورت یک مجرم در زمان تحقیقات به پولیس که این روش را آموخته باشد، اطمینان میدهد، که سخنان مجرم راست اند یا او دروغ میگوید. در عصر انترنت حتی بیسوادان میدانند، که عکس ها نیز با همه بی زبانی یک کتاب سخن می گویند!

تکنولوژی اطلاعاتی جدید ابزار را به اختیار انسانها قرار داده است، که با وجود فلج بودن تمام بدن حتی زبان شان، میتوانند علم و دانش شانرا با دیگران شریک سازند - مانند فزیکدان معروف شتفن هاوکنینگ. یا به انسانهای که کور مادرزاد اند و از موجودیت نور فقط تصویر در ذهن خود دارند، امکانات را محیا ساخته، که از بسا بینایان بهتر باندیشند و بهتر بنویسند.

این سخنان آقای پرتو نادری از نظر من نیز قابل تأمل است - به خصوص جمله آخر نقل قول ایشان: "با این حال در کشور خود بسیار افرادی از آموزش دیدهگان کشور را دیده ایم که با جود داشتن سند بلند آموزشی از نوشتن یک مطلب یا بیان اندیشه ها و دیدگاه های خود نا توان اند. این امر شخصیت یک انسان آموزش دیده را صدمه سنگینی می زند."

از نظر من، شاید یک دانشمند فزیک یا هر رشته دیگر در سطح یک نویسنده که در رشته های فلسفی و ادبیات درس خوانده است، یک اثر ادبی نوشته نتواند، اما تصور کرده نمیتوانم، که یک فزیکدان یا هر دانشمند دیگر در "نوشتن یک مطلب یا بیان اندیشه ها و دیدگاه های خود نا توان" باشد. در غیر آن دانش و اندیشه های او قابل انتقال نمیبود. به عبارت دیگر، هر کس ادیب شده نمیتواند، ولو تا سطح پوهنتون درس خوانده باشد، و هر ادیب انجنیر یا طبیب شده نمیتواند، ولو در سال یک کتاب ادبی بنویسد. پس سوال درین است، که به گفته آقای پرتو نادری، آیا " این امر شخصیت یک انسان آموزش دیده را صدمه سنگینی می زند. " ؟

چیزیکه افغانستان ندارد، افراد دانشمند در رشته های تخنیک، ساینس، تخنیک کمپیوتر و انترنت و ده ها رشته تخنیکی دیگر که در عصر حاضر اقتصاد یک کشور را تأمین و تضمین میکند، است. در مقابل چیزیکه افغانستان خیلی زیاد دارد، ادیب، شاعر، کارشناس سیاسی، پژوهشگر، ژورنالیست و ازین قبیل رشته هاست. با معذرت از ادیبان و شاعران کشورم که موجودیت شانرا برای فرهنگ افغانستان مهم میدانم - به شرطیکه ملی بیاندیشند، اگر خودم در شرایط فعلی یک جوان افغان در داخل کشور می بودم و حق انتخاب بین تحصیل در رشته ساینس و تخنیک یا ادبیات دری را میداشتم، حتماً اولی را انتخاب میکردم، ولو به قیمت کمبودی در نوشتن یک

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولئ

مطلب ادبی برایم تمام میشد، زیرا میدانستم که وطنم در آینده به اشخاص فنی در رشته های هر نوع تخنیک و ساینس ضرورت دارد و ازین راه به خودم و وطنم مصدر خدمت مؤثر تری میشوم.

چرا باید مقابل این نوع قضاوت ها یا نوشته ها باید حساس بود؟

در شرایطی که مردم افغانستان از چهل سال به اینطرف قرار دارد، به هر فرزند افغان که به مکتب میرود، چه رسد به آنهای که با وجود همه مشکلات اقتصادی و امنیتی از پوهنتون های افغانستان یک دیپلوم میگیرند، باید ارج بگذاریم. ما میدانیم، که کیفیت آنچه که چهل سال قبل در معارف افغانستان تدریس میشد، یا با مقایسه با کشورهای که در آن چهل سال جنگ جریان نداشته، تا آنچه که امروز شاگردان و محصلین می آموزند، متأسفانه خیلی پائین است.

همچنان همه میدانند، که مقصر این معضله و صد ها مشکل نسل جوان وطنم کسانی اند، که وطن را در عوض چند بوتل ودکای روسی و چند روسپی کا جی بی فروختند و بدبختی همین نسل را که حالا به نظر بعضی ها گویا سواد کافی ندارد، قبل ازینکه به دنیا بیایند، رقم زدند. مقصر کیفیت پائین تعلیم و تحصیل آنهایی اند، که از حق فرزندان وطن خود، شماره های بانکی خود را در خارج پُر ساخته اند و هنوز هم سیر نمی شوند. مقصر آنهایی اند، که بنام اسلام هموطن مسلمان خود را میکشند و شیرازه تعلیم و تحصیل را برای فرزندان این کشور تخریب میکنند، که درین اواخر "طالبان کرام" نامیده میشوند و نه تروریست و نوکران پاکستان.

فلهذا پائین بودن کیفیت تحصیلی فرزندان وطنم، باید به شخصیت آنهایی "صدمه سنگین بزند" که به خاطر حرص سیر ناشدنی شان به قدرت و ثروت، فرزندان این وطن را از کسب علم و دانش باکیفیت محروم ساخته اند.

موضوع دوم که مرا درین نوع نوشته ها آزار میدهد، همان پائین آوردن روحیه ملی جوانان ماست. اگر یک مداری مانند کرزی در ملای عام میگیرید، به خاطریکه گویا " ما یک ملت ناتوان استیم "، به همان اندازه به روحیه مردم و به خصوص به روحیه جوانان ما صدمه میزند، که یک طنز نویس آنهمه ارزش های را به باد کنایه و تمسخر می گیرد، که در واقعیت هویت ملی یک جوان افغان را میسازد، یا یک ادیب مغرور سواد یک جوان را به باد انتقاد میگیرد، که گویا توان نوشتن "اندیشه ها و دیدگاه های خود" را ندارد. در هر سه صورت جوانان ما را از زندگی و آموختن در کشور خود شان دلسرد میسازند و از ناامیدی زیاد به قیمت از دست دادن جان های پُرارزش شان رهسپار کشور های بیگانه میسازند.

شخص خودم از دشمنان افغانستان و نوکران وطنی آنها گله ندارم، زیرا پائین آوردن و تخریب روحیه ملت افغان یکی از ابزار است، که جهت نابودی این کشور از آن استفاده میکنند. اما طرف انتقاد آنهایی اند، که یا مانند کرزی مداری آگاهانه، یا مانند دیگران ناخودآگاه غرور و هویت ملی مردم ما را می شکنند، و یا از غرور زیاد، جوانان ما را از درس و تحصیل جهت رفاه خود و کشور شان دلسرد میسازند، اما برای قاتلین 65 هزار کابلی مدح میسرایند، دست های شانرا می بوسند و از دانش والای وطنفروشان به روس توصیف میکنند.

آقایان محترم، اگر خیر تان به این نسل مظلوم نمیرسد، لاقول به آنها ضرر نرسانید. اگر به خاطر غرور کاذب تان، تشویق شان نمی کنید، پس بگذارید، یک نسل که از هر نگاه قربانی خواسته های نامشروع جنگسالاران حریص این کشور شده است، سر شان را کمی بلند کنند و به آنچه که هستند، افتخار نمایند و آنچه که ندارند، در صدد به دست آوردن آن به خود زحمت دهند، تا زندگی برای شان مفهوم خود را از دست ندهد.

با عرض احترام به همه جوانان نازنین و کوشای وطنم!